



جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن و بررسی نحوه تعامل آن دو

حجت‌الاسلام علی مدبر اسلامی در پژوهشی با عنوان «جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن» ضمن گونه‌شناسی روایات ناظر به قرآن و بحث در باب منابع و مناهج تفسیر، به ارزیابی هشت گونه تعامل سنت با تفسیر قرآن به قرآن پرداخته است.

علی مدبر اسلامی در معرفی پژوهش اخیر خود مطرح کرد: جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن و بررسی نحوه تعامل آن دو حجت‌الاسلام علی مدبر اسلامی در پژوهشی با عنوان «جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن» ضمن گونه‌شناسی روایات ناظر به قرآن و بحث در باب منابع و مناهج تفسیر، به ارزیابی هشت گونه تعامل سنت با تفسیر قرآن به قرآن پرداخته است. حجت‌الاسلام و المسلمین علی مدبر اسلامی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به معرفی پروژه پژوهشی‌ای پرداخت که با عنوان «جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن» در گروه تفسیر موضوعی مرکز فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به انجام رسانده است.

مدبر اسلامی با اشاره به این مطلب که تفسیر قرآن به قرآن یکی از منهج‌ها و روش‌های تفسیری است که در مقابل تفسیر قرآن با سنت و تفسیر قرآن با عقل قرار دارد، عنوان کرد: یکی از بحث‌هایی که در منهج تفسیر قرآن به قرآن مطرح است، این است که آیا سنت، یعنی روایات تفسیری، در این منهج و روش جایگاهی دارد یا ندارد و آیا روایات تفسیری در منهج تفسیر قرآن به قرآن کمک و تأثیر و دخالتی دارد یا ندارد.

وی با اشاره به مباحث کتاب خود، بیان کرد: در این بحث و این پروژه علمی، بعد از این که مفهوم‌شناسی کلمات مطرح شده و کلماتی مانند تفسیر، تفسیر ظاهر، تفسیر باطن، تأویل، تفسیر قرآن به قرآن یا صحیح‌تر تفسیر قرآن با قرآن، قرآن‌بستگی در تفسیر، سنت، روایات تفسیری، تفسیر قرآن با سنت، در مقدمه معنا شده‌اند، چند بحث آمده؛ یکی منابع تفسیر قرآن، دیگر مناهج تفسیر، سوم دسته‌بندی و گونه‌شناسی روایات ناظر به قرآن و در نهایت هم بحث اصلی که در باب دیدگاه‌هایی است که درباره جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن مطرح است.

منابع و مناهج چهارگانه تفسیر

مدبر اسلامی با اشاره به بحثی که در باب منابع چهارگانه تفسیر به اجمال مطرح کرده است، بیان کرد: یکی از منابع تفسیر، خود قرآن کریم است و یکی از منابع سنت، اعم از سنت نبوی و سنت اهل بیت(ع)، یعنی روایات تفسیری پیامبر(ص) و ائمه(ع) است. همچنین یکی از منابع تفسیر، عقل تجربیدی است؛ یعنی عقلی که در دانش‌هایی مانند فلسفه و ریاضیات و عرفان نظری کاربرد دارد و یکی از منابع هم عقل تجربی، یعنی همان رهاورد و دستاورد علوم تجربی، است. این‌ها در واقع به عنوان منابع چهارگانه تفسیر قرآن به اجمال در این پروژه معرفی شده است.

عضو شورای پژوهشی مرکز فرهنگ و معارف قرآن با اشاره به بحث خود در باب مناهج تفسیر در این پژوهش، گفت: بحث بعدی ما در این پژوهش، بحث منهج‌های تفسیری یا روش‌های تفسیری است که ارتباط تنگاتنگی با بحث منابع دارد؛ چرا که در تفسیر به تعداد منابعی که وجود دارد، مناهج نیز وجود دارد.

وی اظهار کرد: برای مثال، چون یکی از منابع تفسیر قرآن خود قرآن است، منهج تفسیری قرآن به قرآن شکل می‌گیرد یا به دلیل این که یکی از منابع تفسیر قرآن سنت است، منهج تفسیری قرآن با سنت شکل می‌گیرد و همین طور براساس منبع سوم که عقل تجربیدی است، تفسیر قرآن با عقل تجربیدی به عنوان منهج مطرح می‌شود و باز به دلیل این که یکی از منابع تفسیر عقل تجربی و رهاورد علوم تجربی است، منهج تفسیر قرآن با عقل تجربی هم یکی از مناهج به حساب می‌آید. بنابراین ما چهار منهج تفسیری داریم؛ تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت، تفسیر قرآن با عقل تجربیدی و تفسیر قرآن با عقل تجربی.

این عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی افزود: اگر مفسری از همه این منابع چهارگانه استفاده کند، منهج تفسیری او هم یک منهج جامع خواهد بود؛ یعنی منهجی که درون آن هم تفسیر قرآن به قرآن، هم تفسیر قرآن با سنت، هم تفسیر قرآن با عقل تجربیدی و هم تفسیر قرآن با عقل تجربی مطرح است.

گونه‌شناسی روایات ناظر به قرآن

وی با اشاره به بحثی که در باب روایات ناظر به قرآن داشته، در مورد مفاد این بخش از پژوهش خود بیان کرد: در این بخش از پژوهش، با بحثی که در باب گونه‌شناسی روایات ناظر به قرآن داشته‌ایم آن‌ها را در هفت دسته روایات واژه‌شناختی، روایات معناشناختی، روایات مصداق‌شناختی، روایات حدودشناختی، روایات روش‌شناختی، روایات قرآن‌شناختی و روایات اقتباسی شناسایی و معرفی کرده‌ایم.

این محقق و پژوهشگر درباره گونه‌های روایات اظهار کرد: برخی از روایات ناظر به قرآن، واژگان قرآنی را تبیین می‌کند و واژه‌شناختی است و بعضی از آن‌ها معنای واژگان، معنای ظاهری یا معنای باطنی را مطرح می‌کند و معناشناختی است. بعضی از روایاتی که ناظر به قرآن است کاری به مفهوم واژه‌ها یا خود ساختمان واژه ندارد بلکه مصداق را و این که این واژه بر چه چیزی دلالت می‌کند را در نظر دارد. بخشی از روایات ناظر به قرآن، حدودشناختی است یعنی اگر حکم خاصی در قرآن آمده است حدود و صغور آن را و کیفیت اجرا و جزئیات آن را بیان می‌کند.

مدبر اسلامی ادامه داد: دسته‌ای از روایات هم روش‌شناختی هستند و روش تفسیر قرآن را به ما معرفی می‌کنند. دسته دیگر هم قرآن‌شناختی هستند و اوصاف قرآن را به ما معرفی می‌کنند. دسته هفتم نیز روایاتی هستند که آن‌ها را اقتباسی نام داده‌ایم به این دلیل که روایاتی هستند که به گونه‌ای در این روایات اقتباس از الفاظ قرآن صورت گرفته است.

عضو شورای پژوهشی مرکز فرهنگ و معارف قرآن در ادامه با اشاره به این که بحث بعدی وی در این پروژه همان موضوع اصلی بحث یعنی دیدگاه‌های مطرح درباره جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن و ارزیابی این دیدگاه‌ها و بررسی چگونگی تعامل سنت با قرآن است، به بیانی اجمالی از این مباحث پرداخت.

نظریات مطرح در باب نقش سنت در تفسیر قرآن به قرآن

وی بیان کرد: در باب نقش سنت در تفسیر قرآن به قرآن دو نظریه مبنایی مطرح است. ابتدا نظریه کسانی است که به طور کلی نقش سنت را در تفسیر قرآن انکار می‌کنند و از نظریه آن‌ها به عنوان قرآن‌بسندگی در تفسیر یاد می‌شود. قائلان به این نظریه می‌گویند که در تفسیر قرآن سنت هیچ جایگاهی ندارد و هیچ نیازی به سنت نیست و قرآن در تفسیر خود خودبسنده است. در این بخش این نظریه مورد نقد قرار گرفته و به مباحث قائلان به آن پاسخ داده شده است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی با اشاره به نظر کسانی که به صورت اجمال نقش سنت را در تفسیر قرآن می‌پذیرند، به عنوان نظر دوم، عنوان کرد: این دسته که در واقع به گونه‌ای سنت را در تفسیر قرآن دخیل می‌دانند، خود چند گروه هستند.

مدبر اسلامی در مورد اولین گروه پذیرندگان نقش سنت در تفسیر قرآن، بیان کرد: عده‌ای از این قائلان می‌گویند که بازگشت تفسیر قرآن به سنت به همان تفسیر قرآن به قرآن است؛ چه اصولاً روایات تفسیری پیغمبر اکرم(ص) و ائمه(ع) از خود آیات قرآن استفاده شده و در خدمت تفسیر قرآن قرار گرفته است. بنابراین از نظر این افراد تفسیر قرآن به سنت چیزی جز تفسیر قرآن به قرآن نیست.

وی با اشاره به دیدگاه دوم در این زمینه، عنوان کرد: دیدگاه دوم میان معارف نظری و معارف عملی تفکیک قائل می‌شود و می‌گوید که در معارف نظری ما نیازی به روایات نداریم، اما در معارف عملی نیاز به روایات داریم. به بیان دیگر آن جایی که آیات قرآن معرفتی نظری را بیان می‌کند و برای مثال نکته‌ای را درباره ساختار عالم و هفت آسمان بیان می‌کند یا درباره معاد نکته‌ای را مطرح می‌کند، در این موارد که معارف نظری طرح می‌شود نیازی به روایات نیست؛ بلکه کاربرد روایات و نقش سنت در آن جایی است که بحث معارف عملی و احکام عملی مطرح است و شامل دستور نماز و روزه و امثال این‌ها است.

مدبر اسلامی با بیان این که سومین دیدگاه متعلق به قائلان تفاوت میان ظاهر و باطن است، اظهار کرد: در این دیدگاه درباره نقش سنت در تفسیر قرآن به قرآن، میان تفسیر ظاهر و تفسیر باطن تفاوت گذاشته شده و گفته شده است که اگر ما بخواهیم ظاهر قرآن را تفسیر کنیم نیازی به روایات نیست و سنت در این جا جایگاه و نقشی ندارد، اما اگر بخواهیم به تفسیر باطن بپردازیم، در اینجا نیاز به روایات داریم.

عضو شورای پژوهشی مرکز فرهنگ و معارف قرآن در مورد دیدگاه چهارم بیان کرد: دیدگاه چهارم دیدگاه کسانی است که گفته‌اند ما در تفسیر نیاز به روایات نداریم اما در آموزش شیوه تفسیر قرآن به قرآن نیازمند روایات هستیم و نقش سنت در واقع این است که خود شیوه تفسیر قرآن به قرآن را به مفسران آموزش می‌دهد.

مدبر اسلامی در مورد دیدگاه پنجم که در این پژوهش دیدگاه پذیرفته شده است، گفت: در این پژوهش چهار دیدگاهی که به آن‌ها اشاره شد نقد شده و ضمن تأکید و تثبیت یک دیدگاه دیگر، بیان شده است که قرآن شئون مختلف و تفسیر قرآن نیز سطوح مختلفی دارد. در برخی از شئون قرآن روایت کاربردی ندارد اما در برخی از شئون حتماً باید به روایات اهل بیت (ع) مراجعه شود و از استفاده شود. همچنین تفسیر قرآن نیز سطوح متفاوتی دارد و اگر چه در برخی از سطوح تفسیر قرآن روایت کاربرد ندارد اما در برخی سطوح حتماً باید از روایات و سنت نبوی و سنت اهل بیت (ع) استفاده شود.

وی با اشاره به بحث بعدی مطرح شده در این پژوهش، عنوان کرد: بعد از این که دیدگاه‌های پنج‌گانه درباره نقش سنت در تفسیر قرآن به قرآن بررسی شده به آخرین بحثی که در این پروژه مطرح است رسیده‌ایم. به بیان دیگر با توجه به این که سنت در تفسیر قرآن به قرآن نقش دارد در بخش پایانی کتاب به این بحث پرداخته می‌شود که گونه‌های این نقش و تعامل چیست و سنت چه نوع تعامل‌هایی با تفسیر قرآن به قرآن دارد و در این جا به گونه‌های تعامل سنت با روش تفسیر قرآن به قرآن یا در واقع جزئیات همان دیدگاه پنجم یا به تعبیر دیگر چارچوب و روش‌شناسی آن پرداخته‌ایم.

گونه‌های تعامل سنت با روش تفسیر قرآن به قرآن

مدبر اسلامی در این بخش نیز از هشت گونه تعامل سنت با تفسیر قرآن به قرآن یاد کرد و گفت: اولین مطلب در تعامل سنت با شیوه تفسیر قرآن به قرآن در این است که سنت این تفسیر را «تجویز» می‌کند. دومین گونه تعامل این است که روایات و سنت، شیوه تفسیر قرآن به قرآن را تعلیم می‌کند و آموزش می‌دهد. بنابراین «تعلیم شیوه» دومین گونه تعامل است. گونه سوم تعامل این است که در برخی از روایات، محصول تفسیر قرآن به قرآن تأیید شده است؛ یعنی روایت مستقیماً نیامده تا آیه‌ای را تفسیر کند بلکه نتیجه و محصول تفسیر قرآن به قرآن را «تأیید» می‌کند.

این محقق و پژوهشگر از «تکمیل» به عنوان چهارمین نحوه تعامل سنت با روش تفسیر قرآن به قرآن یاد کرد و بیان کرد: گاهی فرآیند تفسیر قرآن به قرآن تا نقطه‌ای را طی می‌کند و به انتها می‌رسد و از آن به بعد روایت و سنت وارد می‌شود و همان محصول و رهاورد تفسیر قرآن به قرآن را تکمیل و نکته‌ای را به آن اضافه می‌کند.

وی با بیان این که پنجمین گونه تعامل سنت با محصول تفسیر قرآن به قرآن «تبیین» این محصول است، اظهار کرد: ممکن است کار سنت در این گونه موارد تأیید یا تکمیل نباشد بلکه تبیین باشد یعنی مطلبی را که به اجمال از نتیجه تفسیر قرآن به قرآن به دست می‌آید، همین نتیجه در روایات بیان شده و توضیح داده شده است.

مدبر اسلامی از «تقیید» و «تعمیق» و «تطبیق» به عنوان دیگر نحوه‌های این تعامل سخن گفت و عنوان کرد: ششمین گونه تعامل، «تقیید» است؛ یعنی گاه روایت و سنت، نتیجه و محصول تفسیر قرآن به قرآن را تقیید و دامنه آن را محدود می‌کند. گونه هفتم تعمیق این محصول است یعنی لایه‌های دیگری و عمق‌های بیشتری را برای آن بیان می‌کند و هشتمین گونه تعامل سنت با تفسیر قرآن به قرآن تطبیق است؛ یعنی گاه روایت همان محصول تفسیر قرآن به قرآن را بر مصداق‌های خاصی تطبیق و نمونه‌های آن را بیان می‌کند.

عضو شورای پژوهشی مرکز فرهنگ و معارف قرآن افزود: بنابراین و با توجه به آن چه بیان شد، وقتی که ما قرآن را با خود قرآن تفسیر کردیم و به نتیجه‌ای دست یافتیم، آن گاه نقشی که سنت در رابطه با محصول این تفسیر ایفا می‌کند در این هشت گونه نقش دسته‌بندی می‌شود.

مدبر اسلامی در پایان این گفت‌وگو با اشاره به خاتمه یافتن نگارش این پژوهش، عنوان کرد: حاصل این پژوهش هم‌اکنون در مرحله ارزیابی و نظارت قرار دارد و قرار است که به همت مرکز فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در کتابی تقریباً 300 صفحه‌ای با عنوان «جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن» چاپ و منتشر شود.